



FRONTPAGEMAG.COM



ترجمه گفتگوی "فرانت پیچ
مگزین" با آذر ماجدی،
رئیس سازمان آزادی زن
(قسمت اول)

زنان ایرانی در تقابل با ملاها

مهمان امروز فرانت پیچ آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن-
ایران است. وی همچنین در مبارزه علیه استقرار قانون شریعه
در کانادا فعال بوده است. اخیراً کتابی منتشر کرده بنام، حقوق
زنان در تقابل با اسلام سیاسی، مجموعه‌ی نوشته‌های سیاسی
آذر کاندید دریافت جایزه اما هامفری در سال ۲۰۰۷ شد.

فرانت پیچ: آذر ماجدی به مصاحبه با فرانت پیچ خوش آمدید.

آذر ماجدی: متشکرم.

فرانت پیچ: کمی درباره خودتان بگویید.

آذر ماجدی: من در ایران متولد شدم.

صفحه ۲

آذر ماجدی در کنفرانس افتتاحیه سی اف آی در لندن:

برای مقابله با مذهب به یک جنبش وسیع اجتماعی سکولاریست نیاز مندیم!

صفحه ۴



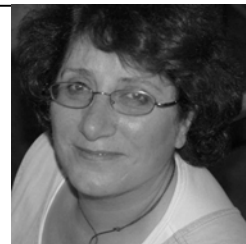
حقوق زن نه شرقیه!
نه غربیه! جهانیه،
جهانیه!

با وجود اینکه پرت کردن حجاب در ایران از زمان مشروطه تا
انقلاب ۵۷ زمینه دگرذیبی تصویر زن در ایران بود و سنبل
فردستی زن را در جهت دستیابی به دیگر برابریهای اجتماعی،
اقتصادی و سیاسی به عقب رانده بود تا سالهای ۵۷ و ۵۸
حضور زنان بی حجاب و آراسته در خیابانها و مدارس و مراکز
کار نه تنها نزد مردم مذهبی، بلکه در اندیشه کثیری از
روشنفکران غیرمذهبی و غیرسنتی و احزاب پوپولیستی هم
علامت و نشانه "فرهنگ فاسد غرب" شد.

صفحه ۵

یادداشت سردبیر شماره ۳۷

در گرامیداشت فادیمه شهیندال!



روز ۲۱ ژانویه سالگرد قتل فادیمه شهیندال میباشد که ۶ سال پیش
بدست پدرش کشته شد. فادیمه که از چند سال قبل از کشته شدنش
از دست خانواده اش فرار کرده و مخفی زندگی میکرد در هنگام
ملاقات مادر و خواهرانش و در مقابل چشمان حیرت زاده آنها به
قتل رسید. قتل فادیمه شهیندال جامعه سوئد را در شوک فرو برد.
اگرچه قبلاً توسط فعالین زن و بویژه فعالین کمپین بین المللی دفاع
از حقوق زنان به سیاستمداران سوئد در مورد موقعیت دختران
جوان در خانواده‌های مرد سالار و سنت گرا، که عمدتاً با تباری
از کشورهای تحت سلطه اسلام سیاسی هستند، هشدار داده شده
بود. قتل فادیمه بار دیگر موقعیت زنان و دختران مهاجر را به
طور وسیع به بحث جامعه سوئد تبدیل نمود. جواب دولت سوئد
سازمان دادن خانه‌های مخفی برای دختران فراری بود. این راه
حلی بود که هنوز در صدر اقدامات دولت قرار دارد. اما
سیاستمداران سوئد هنوز نتوانسته اند به این سوال اساسی جواب
دهند که چرا دامنه رشد و نفوذ گروههای سنتی و اسلامی در
زندگی بخش هایی از خانواده های مهاجر و به تبع آن جوانان
گسترش یافته و چرا برای جلوگیری از رشد و صفحه ۲

نامه از ایران

زنان کارگر ایرانی در وضعیتی شدیداً غیر انسانی

صفحه ۶

هزاران زن کارخانه نساجی در اعتراض به
مرگ همکارشان "سلما" دست از کار کشیدند و
کارخانه را تعطیل کردند.

صفحه ۴

پروین دهقانی دیپورت شد. دولت قبرس باید پاسخگو باشد!

صفحه ۷

بیتا نقاشیان از اعضای مجموعه فعالان حقوق بشر در
ایران از تاریخ ۱۳ آذر و پس از شرکت در تجمع
اعتراضی دانشجویان ناپدید گردیده است.

صفحه ۳

نه به حجاب اسلامی! نه به سرکوب زنان!

گر امیداشت فادیمه شهیندل



گسترش مدارس مذهبی، که عاملی اساسی در ترغیب،

تشویق و گسترش فرهنگ مرد سالارانه و مذهبی است، اقدامی به عمل نیآورده است و چرا موضوع حجاب کودکان را به فراموشی سپرده است. دولت سوند و سازمانهای مختلف تلاش میکنند که با به حاشیه کشیدن سوال اصلی امتیاز بیشتری به گروههای رو به رشد اسلامی دهند. دو گانگی در برخورد به حقوق شهروندی شهروندان ساکن سوند بخشی مهم از روش برخورد دولت و سازمانهای مختلف دولتی میباشد که مسبب بیشترین آسیب

به رشد و بالندگی جوانان با تبار خارجی است. فادیمه، پلا، سارا، عباس رضائی و بسیاری دیگر قربانیان این سیاست ریاکارانه اند.

ناموس پرستی یک خصوصیت جوامع مردسالار و سنت پرست است که امروزه مذهب بویژه اسلام سیاسی در رشد و بازسازی آن تاثیر دارد. در خاورمیانه و کشورهایی که تحت نفوذ و قدرت سیاسی اسلاميون میباشدند موقعیت زنان در بدترین شرایط قرار دارد. اخبار قتل کودکان دختر بدست

پدر و مردان فامیل در بسیاری از نقاط افغانستان و ایران یک پدیده روزمره میباشد. برای مقابله با قتل زنان و کودکان دختر مبارزه با اشباح خشونت راه چاره نیست. حل این معضل اجتماعی که امروزه به جوامع ظاهرا متمدن هم گسترش پیدا کرده را باید در حل یک معضل اساسی تر دید و آن اینکه حقوق واقعی و برابر انسان تنها در یک نظام برابر قابل حصول است و تحقق آن را در راس ایجاد یک دنیای بهتر باید دید.

پروین کابلی

دنباله گفتگو با آذر ماجدی

پدرم آنتیست و فعال سیاسی بود و مادرم مسلمان مذهبی. من بشدت تحت تاثیر پدرم قرار داشتم. از سنین تین ایجری فعالیت سیاسی علیه دیکتاتوری در ایران و برای حقوق زنان را آغاز کردم. انقلاب در ایران، همچون بسیاری دیگر تاثیر بسیاری بر من گذاشت. و باعث شد که من بسیار بیشتر از پیش در فعالیت سیاسی درگیر شوم. با رژیم اسلامی از همان آغاز مخالفت ورزیدم. بطور فعال علیه محدودیت هایی که رژیم بر زنان اعمال میکرد و همچنین با یک سازمان چپ فعالیت میکردم.

در سال 1982 مامورین امنیتی همسرم و مرا تحت تعقیب قرار دادند، لذا ما مجبور به فرار شدیم. در سال 1984 به اروپا آمدیم. در اروپا هم من مستمرا علیه رژیم اسلامی، اسلام سیاسی، برای حقوق زنان، برای سکولاریسم، و یک جامعه آزاد تر و برابرتر مبارزه کرده ام.

مقالات بسیاری، عمدتا به فارسی و همچنین انگلیسی، منتشر کرده ام. در بسیاری کنفرانس های بین المللی در

مورد مسائل موضوع فعالیتیم شرکت کرده ام، رسانه های بین المللی متعددی با من مصاحبه کرده اند. نشریه منتشر کرده ام، در رسانه های آترناتیو فعالیت کرده ام. سه فرزند دارم.

فرانت پیچ: کمی راجع به رژیم در ایران صحبت کنید. ماهیت توتالیتر رژیم چیست و قربانیان اصلی آن کدامند؟

آذر ماجدی: رژیم اسلامی در سال 1979 به قدرت رسید. برعکس آنچه تصور میشود، رژیم اسلامی نتیجه پیروزی انقلاب نبود، بلکه در نتیجه شکست انقلاب به قدرت رسید. انقلاب 1979 باین خاطر شکل نگرفت که مردم ضد غرب بودند و خواهان یک رژیم مذهبی - آخوندی. مطالبات اصلی انقلاب آزادی، عدالت و تساوی بیشتر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود. مردم از دیکتاتوری، پلیس امنیتی، شکنجه و فساد تحت رژیم شاه بیزار بودند. اگر این شرایط را در نظر بگیریم، میتوان درک کرد که یک رژیم مذهبی آمل مردم نبود، مردم عملا تحمیق شدند.

رژیم اسلامی پس از انقلابی

به قدرت رسید که آزادی و عدالت در دستورش بود. این رژیم تنها با سازماندهی سرکوب خشن کل جمعیت توانست به موجودیتی که امروز شاهدش هستیم، تبدیل شود. اول، چپ را تحت نام انقلاب سرکوب کرد. یک تاکتیک بسیار زیرکانه. تمایلات ضد امپریالیستی چپ را به بازی گرفت و سفارت آمریکا را اشغال کرد. زنان را سرکوب کرد. جنبش حقوق زن را برای بیش از یک دهه به سکوت کشانید. اعتصابات و اعتراضات کارگری را کاملا سرکوب کرد.

در ژوئن 1981 یک شبه کودتای خونین سازمان داد. شرایطی مشابه اندونزی در سالهای 60 میلادی یا شیلی در 1973. هزاران نفر را در سراسر کشور اعدام کرد. اینها عمدتا جوان بودند، حتی توجوانان و کودکان 12-13 ساله نیز در میان اعدام شدگان وجود داشتند. کارنامه کشتار رژیم پس از سرنگونیش افشاء خواهد شد.

بحث را کوتاه کنیم. جمهوری اسلامی تمام جامعه را سرکوب کرده است. زنان و چپ در میان اولین دسته سرکوب

شدگان بودند. هر صدای اعتراضی وحشیانه سرکوب شده است. اما در دهه اخیر توازن قوا تغییر کرده است. بتدریج جنبش های اجتماعی مختلف فعالتر شده اند و صدای اعتراض خود را رساتر کرده اند. همین اخیرا یک نمایش قدرت بزرگ از طرف دانشجویان در دانشگاه های مختلف را شاهد بودیم. شعارهای آن چنین بود: آزادی، برابری، نه به جنگ، رهایی زن رهایی جامعه است،



دانشگاه پادگان نیست، دانشجویان زندانی باید آزاد شوند، جنبش دانشجویی متحد جنبش کارگری و زنان است و قس علیهذا. هر روز چندین

دنباله در صفحه بعد

نه به مجازات اعدام! نه به جمهوری اسلامی!

سیاست های تجاوزگرانه آمریکا استفاده میکند تا خود را بعنوان یک نیروی ضد امپریالیست جلوه دهد. متأسفانه بطور روزافزونی از فاجعه 11 سپتامبر ببعده در پیشبرد این سیاست موفق بوده است. حمله نظامی به عراق و سپس به لبنان و تبعیض علیه اعراب و هر کس که بنظر مسلمان برسد



از این جهت به اسلام سیاسی کمک رسانده است. ما باید این تمایزات را متوجه باشیم و تلاش کنیم هر دو قطب را افشاء کنیم. مردم در منطقه مستاصل اند و از نظم حاکم جهانی که نسبت به آنها تبعیض اعمال میکند، جانشان به لبشان رسیده است. مردم منطقه عموماً بشدت مخالف سیاست دفاع بدون قید و شرط آمریکا از اسرائیل، مشقت و فلاکتی که به مردم عراق، افغانستان و لبنان تحمیل کرده و دفاع فعالش از دیکتاتوری های منطقه هستند.

دنباله گفتگوی نشریه فرانت پیج با آذر ماجدی در شماره آینده چاپ خواهد شد.

این گفتگو در سایت www.iranian.com و طبیعتاً در سایت خود نشریه هم منتشر شده است.

و اپوزیسیون را دارد، ابتدا زنان را مورد حمله قرار میدهد. حجاب و آپارتاید جنسی دو مساله بسیار اساسی سیاسی - اجتماعی هستند. تقریباً بطور روزمره شاهد درگیری میان زنان و مامورین امر به معروف هستیم. زنان در پیشاپیش اپوزیسیون جمهوری اسلامی قرار دارند.

فرانت پیج: رژیم ایران اخیراً ممنوعیت بر موزیک غربی را افزایش داده است. بنظر شما چرا موزیک چنین تهدیدی علیه اسلام سیاسی است؟

آذر ماجدی: اسلام با موزیک شدیداً مخالف است. این یک واقعیت شناخته شده است. اما اجازه بدهید به یک مساله اشاره کنم. بر خلاف نظر غالب که جمهوری اسلامی را فاندمنتالیست توصیف میکند، این رژیم بسیار پراگماتیست است. در طول حیاتش بارها تغییرات اساسی در عقاید اسلامی را بخاطر حفظ سیاسی خود، پذیرفته است. بارها اصول را بخاطر اهداف سیاسی خم کرده است. خمینی یک پراگماتیست حرفه ای بود.

تاکید در این مورد بر صفت غربی است. کنترل ایدئولوژیک بر جامعه حکم میکند که یک سیستم ارزشی قوی علیه "ارزش های غربی" بر جامعه حاکم باشد. اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش بشدت ضد غرب است و از درد های واقعی و مخالفت عمیق مردم در منطقه با

همیشگی و مهم مطرح در جامعه است. جمهوری اسلامی زنان را از هر حقوقی محروم کرد. در زمان رژیم پیشین نیز زنان محروم و مورد تبعیض بودند. اما این رژیم اصلاحات کوچکی در زمینه حقوق زنان در خانواده انجام داده بود. اسلامیت ها از این اصلاحات بسیار عصبانی بودند. خمینی شدیداً شاه را باین خاطر مورد انتقاد قرار داده بود.

اولین فرمان دولت جدید رو به زنان و حکم حجاب اجباری در محل کار بود. این فرمان 8 مارس 1357 اعلام شد. این اتفاق نقطه آغاز یک جنبش جدید حقوق زن بود، جنبشی که مستمراً فعال تر، قوی تر و رساتر میشود. جنبش حقوق زن در ایران بسیار وسیع است. بنظر من جنبش حقوق زن در ایران فعال ترین و قوی ترین جنبش از نوع خود در جهان است. در جامعه عمیقاً ریشه دوانیده است و نه فقط در میان زنان، بلکه همچنین در میان مردان. اعتقاد دارم که این جنبش تاثیر بسیاری بر جنبش حقوق زن در خاورمیانه خواهد داشت. مبارزه این جنبش علیه اسلام سیاسی مرزها را در خواهد نوردید و مبارزه زنان در کشورهای تحت اسلام را تحت تاثیر خواهد گذاشت.

من بارها به این نکته اشاره کرده ام که برخورد رژیم اسلامی به زنان بارومتر شرایط عمومی سیاسی در جامعه است. هر زمان که رژیم قصد سازماندهی حمله به مردم

دنباله گفتگو با آذر ماجدی

اعتراض کارگری بوقوع می یونددو جنبش حقوق زن بسیار قوی و باتحرک است.

رژیم اسلامی در یک بحران عمیق اقتصادی قرار دارد. طبق آمار محافظه کارانه خود رژیم، بیش از نیمی از جمعیت زیر خط فقر قرار دارند. این رژیم قادر نیست که انباشت سرمایه را بشکل نرمال تامین کند. اعتماد سیاسی و اجتماعی برای سرمایه گذاری وجود ندارد.

از نظر سیاسی نیز رژیم در بحران بسر میبرد. اکثریت عظیم مردم از آن متنفرند. می خواهند از شر آن خلاص شوند. میگویند سرنگونش کنند. در نتیجه این کشمکش، توازن قوا میان مردم و رژیم به میزان قابل توجهی برفع مردم تغییر کرده است.

رژیم در یک بحران فرهنگی - ایدئولوژیک نیز قرار دارد. مردم رژیم مذهبی نمیخواهند. یک جنبش قوی سکولاریست در ایران وجود دارد. بویژه زنان و جوانان خواهان یک رژیم سکولار هستند. مذهب موضوع تمسخر مردم است.

فرانت پیج: جنبش حقوق زن در چه شرایطی است؟

آذر ماجدی: از زمان به قدرت رسیدن رژیم اسلامی مساله زن در دستور کار هم رژیم و هم فعالین جنبش حقوق زن بوده است. مساله زن یکی از مسائل

<http://www.frontpagemag.com/Articles/Read.aspx?GUID=1598104E-1586-4CEF-9A11-4E12FEE429AD>

بیتا نقاشیان از اعضای مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران از تاریخ 13 آذر و پس از شرکت در تجمع اعتراضی دانشجویان ناپدید گردیده است. این فعال جنبش زنان که در حوزه حقوق زنان و روزنامه نگاری نیز دارای سابقه فعالیت میباشد و در حال حاضر در حال تحصیل در رشته مترجمی زبان فرانسه است بیش از 45 روز است که ناپدید گردیده است. پیگیریهای متعدد خانواده این عضو فعالان حقوق بشر در ایران از مراکز قضائی و امنیتی تا کنون نتیجه ای در بر نداشته است و نظر به اینکه بازداشت وی برای این مجموعه محتمل گردیده است. این مجموعه ضمن ابراز نگرانی نسبت به سلامتی خانم نقاشیان خواهان حمایت تشکلات حقوق بشری و دانشجویی از این فعال مدنی می باشد. خبر از مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران www.hra-iran.org

زندانیان سیاسی باید آزاد شوند!



آنر ماجدی در کنفرانس
افتتاحیه سی اف آی در لندن:

**برای مقابله با مذهب
به یک جنبش وسیع
اجتماعی سکولاریست
نیاز مندیم!**

موسسه تحقیقاتی - آکادمیک
سکولار (Centre for Inquiry (CFI)
در سال 1987 توسط پل کرتز، فیلسوف
آمریکایی که بعنوان "پدر
اومانیزم سکولار" شناخته
شده، بنیان گذاشته شد. این
موسسه در چندین ایالت آمریکا
و در چندین کشور دارای
نماینده است. دفتر لندن این
موسسه بتازگی افتتاح شده و در
روز 18 ژانویه به این مناسبت
کنفرانسی در کانوی هال لندن
با شرکت حدود 150 نفر و با
تم "سکولاریسم در جامعه
مولتی کالچرال (چند فرهنگی):
محدودیت های مدنی تولرانس"
برگزار شد. این کنفرانس با
شرکت سیزده سخنران از
ساعت 11 صبح تا 9 شب ادامه
داشت. پل کرتز، جوزف

اصولی آن سیاسی -
ایدئولوژیک است. حجاب
بسیاری از این زنان جوان یک
اعلام موضع سیاسی علیه
آمریکا و سیاست های
تجاوزگرانه آن است.

سخنرانی آنر ماجدی با کف
زدن های ممتد و استقبال گرم
حاضرین مواجه شد. در تمام
طول کنفرانس حضار با آنر در
مورد سخنرانیش گفتگو
میکردند و نظرش را مورد
تائید قرار میدادند و در مورد
اینکه چگونه باید به این مهم
دست یافت، با او به بحث
میپرداختند. مهمانان
سکولاریست از هلند، اسکاتلند
و رومانی آنر را برای
سخنرانی دعوت کردند. آنر
فرصت یافت تا کتاب تازه
منتشر شده اش: "حقوق زنان
در تقابل با اسلام سیاسی" را
معرفی کند و تعدادی از آن به
فروش رسید.

در خاتمه کنفرانس، ریچارد
دوکینز، استاد رشته تکامل در
دانشگاه آکسفورد که آخرین
کتابش در میان پر فروش ترین
کتاب ها در آمریکا و انگلستان
است، و ریاست افتخاری سی
اف آی لندن را بعهده دارد، به
سوالات حاضرین پاسخ گفت.

سازمان آزادی زن

20 ژانویه 2008

مذهب کشته شده اند. همین چند
سال اخیر ما شاهد رشد
چشمگیری در این جهت بوده
ایم. اما هنوز جامعه با احتیاط
زائد الوصفی با مذهب رفتار
میکند و نگران جریحه دار
شدن احساسات مذهبیون است.
همه چیز را میتوان نقد کرد، الا
مذهب. این وضعیت را باید
تغییر داد. ما نباید نسبت به هیچ
ایده و ایدئولوژی ای که به
حقوق انسان، به حقوق زنان،
به حقوق کودک و به آزادی
بیان و عقیده احترام نمیگذارد
تولرانس نشان دهیم. مولتی
کالچرالیسم یک مقوله راسیستی
است. جامعه باید به حقوق
شهروندان احترام گذارد، نه
حقوق اقلیت ها و محیط های
گونگون مذهبی و فرهنگی.
آنر ماجدی در طی صحبت به
رشد اسلام سیاسی اشاره کرد.
وی گفت که باید تشخیص دهیم
که مبارزه ما صرفا مبارزه
علیه مذهب نیست. این مبارزه
همچنین یک مبارزه سیاسی و
ایدئولوژیک است. باید در نظر
داشته باشیم که سیاست های
آمریکا، حمله به عراق و لبنان
و وضعیت خاورمیانه و
همچنین راسیسم در رشد اسلام
سیاسی بسیار موثر بوده است.
نسل زنان جوانی که چه در
غرب و چه در خاورمیانه زیر
حجاب میروند، به خاطر
گرویدن به مذهب نیست، علت

هافمن، سیمون بلاک برن و ابن
وراق در میان سخنرانان بودند.
تم سخنرانی ها در رابطه با
سکولاریسم و اومانیزم از
زاویه تاریخی و فلسفی بود.
آنر ماجدی یکی از سخنرانان
این کنفرانس بود.

آنر ماجدی در سخنرانی خود
درباره لزوم شکل دادن به یک
جنبش اجتماعی سکولاریست
بمنظور مقابله با پیشروی های
جنبش های مذهبی در دوره
اخیر صحبت کرد. وی تاکید
کرد که ضروری است
سکولاریست ها با شور و تعهد
بسیار بیشتری در این راه گام
بردارند. آنتیست ها و
سکولاریست ها بشکل یک
جمعیت ساکت و "مودب" به
آگاهگری و دانش آموزی علمی
مشغولند. در حالیکه باندازه
کافی دانش سکولاریستی و
آنتیستی موجود است. مشکل
کمبود دانش نیست، مشکل
کمبود شور و تحرک سیاسی
برای ساختن یک جنبش
اجتماعی وسیع است. باید
کتابخانه ها را رها کرد و
بدرون جامعه رفت. همه آگاهی
که در طول تاریخ بیشترین
تعداد انسان تحت نام خدا و

را از ساعت ۸ صبح تا پایان
وقت اداری به تصرف خود در
آوردند. دومین روز اعتصاب،
کارفرما کارخانه را تعطیل
کرد تا از اشغال آن توسط زنان
جلوگیری کند. زنان اعتصابی
با دیدن درهای بسته کارخانه،
راهی میادین و خیابان های
اصلی شهر شدند و برای
دومین روز متوالی، اماکن مهم
شهر را به تصرف خود در
آوردند.

www.kargaremoor.com

پس از انتقال به بیمارستان
فوت کرد.
روز بعد، با انتشار خبر مرگ
سلما در کارخانه، همکاران او
دست از کار کشیدند و اعلام
اعتصاب کردند. هزاران
کارگر زن با تعطیل کارخانه
راهی خیابان های اصلی شهر
شدند و با ایجاد ترافیک در
خیابان ها و معابر، اعتراض
خود را در میان افکار عمومی
ابراز داشتند. گروهی دیگر از
آنان شهرداری شهر و کارخانه

از کار کشیدند و کارخانه را
تعطیل کردند.
به گزارش "دیپلی استار"، سلما
با وجود بیماری سخت، از
سوی کارفرما مجبور شده بود
روز پایان سال ۲۰۰۷ را نیز
کار کند. شدت و حجم کار در
صنعت نساجی به ویژه در
روزهای پایانی سال که بازار
خرید و سودآوری کارخانجات
است، سلمای بیمار را در محل
کار بی هوش و روانه
بیمارستان کرد. وی ساعتی

**هزاران زن کارخانه
نساجی در اعتراض به
مرگ همکارشان
"سلما" دست از کار
کشیدند و کارخانه را
تعطیل کردند**

شهر کارگری سارانی دو روز
اول سال نو میلادی در تصرف
زنان کارگر بود. هزاران زن
کارخانه نساجی در اعتراض به
مرگ همکارشان "سلما" دست

به سازمان آزادی زن پیوندید!



مارس امسال یکبار دیگر بر جهان شمول بودن حقوق زن تاکید بگذاریم!

**ستم بر زن موقوف! سرکوب
زنان ممنوع! حقوق زن نه
شرقیه! نه غربیه!**

جهانیه، جهانیه!

زنده باد آزادی زن

شهلا نوری

سیاسی و اجتماعی حضور پیدا کرده و حجاب را سنبل حقارت زن ارزیابی می کنند. زنانی که دیگر خواستها و مطالبات برابری طلبانه را بر برداشتن حجاب ارجح نمی دانند و با وجود اینکه در جمهوری اسلامی بزرگ شده اند می خواهند همین امروز حجاب را از سر بردارند. زنانی که باید راه زنان فرهیخته دهه های قبل را دوباره ببیمایند و یک بار دیگر حجاب را از سر بردارند و راه رهایی از بندهای حقارت و تحمیق را از سر بگیرند.

زنانی که با پوست و گوشت خود حرفهای ما را لمس کرده اند و میدانند که حجاب اولین گام حکومت اسلامی به سوی آپارتاید جنسی بوده است. آنها می دانند که سیستم اسلامی-مردسالار رژیم زن ستیز بر پایه اعمال قدرت مرد مجهز به قوانین دینی بنا شده است و راه رهایی از آن کنار زدن دینی است که چه در فرم شیعه آن در ایران و چه در فرم سنی آن در افغانستان باید از صحنه زندگی زنان برداشته شود.

تنها راه رهایی، اعتراضی منسجم در ابعادی میلیونی در 8 مارس 86 است!

ما میتوانیم در اعتراض به طرح ارتجاعی ارتقاء امنیت اخلاقی و اجتماعی یک بار برای همیشه مهر مطالبه آزادی و برابری را بر تاریخ مبارزات آزادیخواه مردم ایران بکوبیم!

ما خواهیم توانست، با این شعارها در صحنه مبارزات 8

تاثیرات جنگ، مسئله حجاب و سرکوب زنان به امری کاملاً دست دوم بدل شد. در صورتیکه اسلام سیاسی با صراحت کامل از نتایج سرکوب زنان راضی و خشنود بود و عدم استفاده شیئی از زنان را پس از انقلاب دال بر تامین امنیت اجتماعی قمداد میکرد. رهبران احزاب "چپ" پرو رژیم نیز با آنها همصدا شده و به امر سرکوب زنان با چاشنی "غربزدگی" کمک رساندند.

سخنگویان این عرصه از تساوی حقوق زن و مرد در قران و در اسلام از لزوم عدالت و نه تساوی که به دیدگاه شریعه از اسلام بر می گردد اشاره کردند. در این میان زنانی هم به پست و مقامهایی دست یافتند و در دفاع ایدئولوژیک از حکومت اسلامی طرحهایی از جمله جدا سازیها در زمینه درمان پزشکی و تطبیق آن با موازین شریعه را نیز بتصویب رساندند.

آگاهترین این زنان از جمله شهلا لاهیجی و شیرین عبادی پدیده جدیدی تحت نام فمینیسم پوپولیستی و اسلامی را ابداع کرده و تساوی حقوق زن و مرد را با قوانین اسلام مطابق ارزیابی کردند.

اما همواره بودند و هستند زنانیکه از روز اول بنیانگذاری جمهوری اسلامی با الگوی تحمیلی رژیم زن ستیز مخالفت کرده و با استفاده از اشکال گوناگون مبارزه از جمله بدحجابی در صحنه

دنباله حقوق زن نه شرقیه! نه غربیه! جهانیه، جهانیه!

چنین طرز تلقی، همراه با اضطراب و تنشهای ناشی از درهم ریختن نقشهای سنتی در خانواده و جامعه، محملی شد برای نگرانی از بهم ریختن پایه های اخلاق و سنتهای شرقی نزد بخشی از جامعه. اضطراب و تنشهای ناشی از یک پدیده جدید و غیر خودی حتی احزاب "چپ" را هم به خیانت بزرگی علیه آزادی و برابری زن در جامعه ایران کشاند و درست به همین دلیل با اینکه از سالهای پایانی قرن نوزدهم مطالبه آزادی و برابری زنان نمایندگان فکری خود را در میان زنان و بخشی از مردان آزادیخواه و برابری طلب داشته، مسئله آزادی زنان در انقلاب ۵۷، در مرکز مطالبات انقلاب قرار نگرفت و در حاشیه باقی ماند.

پس از سرکوب جنبش آزادی زن تحت شعار یا روسری یا توسری، با اخراج زنان از مشاغل گوناگون و تغییر قوانین نفع موقعیت فرادست مردان، نابرابری جنسی در عرصه خصوصی و اجتماعی بیش از گذشته مشهود گردید. با وجود تمایزات طبقاتی، روند زندگی زنان تحت تاثیر حجاب اجباری چه در حوزه فردی چه اجتماعی دچار پیچیدگیهای خصوصی شد. از منظر متحدین اسلام سیاسی در شرایط ارباب جمعی در سالهای 60 تا 67 و

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید!

**خواندن نشریه
آزادی زن را به
دوستان خود
توصیه کنید!**

آزادی زن معیار آزادی جامعه است

زنان کارگر ایرانی در وضعیتی شدیداً غیر انسانی

نامه از ایران: عزیز محمدیان

با درود به خدمت سرکار خانم نوری و عرض خسته نباشید برای تمام زحمات بی دریغتان. خانم نوری چندی است که مایلیم مقالاتی را در اختیار شما قرار بدهم تا در صورت امکان و نیز تمایل شما و دوستانتان به انتشار برسد. با این حال موفق به ایجاد تماس با شما نمی شدم. اکنون که این فرصت دست آمده باید به عرضتان برسانم که از طریق یکی دوتن از کارگران مرد شاغل در کارخانه سرامیک البرز در شهر صنعتی البرز واقع در استان قزوین از وضعیت نابهنجار و باور ناکردنی تعدادی از کارگران زن این مجتمع آگاهی حاصل کردم. وتوانستم با قدری سماجت اطلاعات دقیق تری از وضع این افراد کسب کنم. البته ایدا امکان مصاحبه مستقیم با این زنان تا به این لحظه مهیا نشده است ولی آنچه برای شما ارسال می دارم عین واقعیت است که در حال حاضر در جریان است. من این مطلب را به فراخور ماهیت خاص آن و توجه به اینکه در حوزه تخصصی کار شماسنت و قطعاً با پوش شما از غنا و وسعت بیشتری برخوردار می شود تنها برای شما تهیه کرده ام و حتی هنوز در وبلاگ خودم مورد استفاده قرار ندادم. با این حال برای مطمئن کردنتان مایلیم که منبع مطلب من با درج مشخصات معرفی گردد و هر طوری که صلاح می دانید یا پس از انتشار شما و یا پیش از آن در وبلاگ خود آن را مورد استفاده قرار بدهم. برایتان آرزوی موفقیت هر چه بیشتر در راه اهداف والای

آزادیخواهانه تان را دارم و برای همه زنان و مردان ایران زمین آرزوی رهایی از زیر یوغ استثمار سرمایه داری متحجر جمهوری اسلامی.

امروز مسئله حقوق زنان از سویی و حقوق کارگران از سویی دیگر برای بسیاری از فعالان حقوق بشر در داخل و خارج از ایران بصورتی جدی تر از گذشته پی گیری می شود. اما در برخی موارد مشاهده می گردد که این دومسئله در هم تنیده شده و به صورت یک موقعیت بغرنج و شدیداً اسفبار نمایان می شود. که این موقعیت زمانی رقم می خورد که پای حقوق زنان کارگز در میان باشد. زنانی که توامان از چندین سو در معرض سخت ترین شرایط واقع می گردند.

نمونه این وضعیت را در مورد زنان کارگز در کارخانه سرامیک البرز واقع در شهر صنعتی البرز قزوین شاهدیم. وضعی که حتی باور کردن آن در نگاه اول قدری دشوار می آید ولی عین واقعیت است. واقعیتی تلخ و گزنده.

الف- مدت زمان کار:

در کارخانه سرامیک البرز در حدود بیست کارگر زن در قسمت بسته بندی مشغول به کارند. این افراد زیر نظر پیمانکار و بصورت قراردادی روزانه نزدیک به ده ساعت کار میکنند. آنها مجبورند از ساعت هفت و سی دقیقه صبح تا حدود پنج عصر در محل کار حاضر باشند. زمان کاری حدود ده ساعت و یک ساعت و نیم ساعت بیش از تایم کاری

استاندارد است. با این وجود این مدت اضافه ابدأ بعنوان زمان اضافه کاری مورد احتساب قرار نمی گیرد. طبعاً هیچ گونه پولی هم بابت آن پرداخت نمی گردد.

ب- کیفیت دستمزد و بیمه:

با توجه به ساعت کار فوق الذکر کفایت به رقم تعجب آور حقوق دریافتی این زنان دقت کرد تا به عمق فاجعه پی برد. آری این امر از آن رو برآستی ابعاد یک فاجعه را دارد که بدانید این زنان بابت هر روز کار خود تنها دوهزار تومان می گیرند!!! طبق پرسشهای من از برخی افراد آگاه در زمینه امور پیمانی در ایران، قاعده استاندارد آن است که افراد بابت هر هشت ساعت کار (بدون احتساب اضافه کاری) لااقل شش هزار و صد تومان حقوق بگیرند. اما پیمانکار برای فرار از مسائل و مقررات مربوط به بیمه، این افراد را بصورتی کاملاً غیر استاندارد به خدمت در آورده و بابت کار توام با اضافه کاری حداقل دستمزد را پرداخت می کند. در مورد کارگران زن در کارخانه سرامیک البرز افراد آگاه خبر از آن می دهند که حتی این حداقل حقوق هم بعضاً با دو ماه تاخیر به دست کارگران میرسد. و عملاً کارفرما برای استثمار این افراد از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند. بعید نیست که این زنان از بیمه تامین اجتماعی هم محروم باشند.

ج- شرایط محل کار:

1- به لحاظ کارویژه های قانون کار ماهیت کاری این افراد به سه دسته نشسته، ایستاده و متناوب تقسیم می گردد. کسانی که در این کارخانه و از نزدیک شاهد کار این زنان هستند برآند که ارزش کاری

این افراد به حیث میزان انرژی و نوع کاری که متحمل می شوند جزو سخت ترین کارهای تمام کارخانه است. و به اعتراف این شاهدین چه بسا مردانی که سخت ترین کارهای یدی را انجام می دهند در برخی موارد شرایطی راحت تر از این زنان دارند. چراکه کار این زنان نه تنها بسیار دشوار و سنگین است بلکه آنچه تحمل کار را بی نهایت دشوار می سازد شرایط نا مساعد محیط کار است.

2- سالن کار این زنان به شدت مملو از گرد و غبار است. این غبار به جهت برخاستن از فرایند شیمیایی تولید سرامیک به شدت آلوده و خطرناک است.

3- هم چنین سرو صدای زیاد دستگاهها صدمه ای جدی به شنوایی و دستگاه عصبی این افراد وارد می سازد.

4- سالن از لحاظ تجهیز به وسایل تهویه مطبوع در حد صفر است و علاوه بر این به جهت برخورداری از وسایل گرمایشی و سرمایشی برای فصول مختلف، سطحی بسیار نازل دارد.

د- موارد محرومیت از خدمات اجتماعی:

آنچه در این قسمت تحت عنوان خدمات از آن یاد می کنیم ابدأ معنای خدمات بمعنای خاص کلمه را ندارد بلکه بخشی از نازل ترین و بدیهی ترین خدمات است که این زنان از آنها محرومند.

1- این زنان فاقد هرگونه سرویس ایاب و ذهابند و بنابراین مجبورند از محل زندگی خود چنان به خروج اقدام نمایند که راس ساعت هفت و سی دقیقه صبح در محل کار باشند. باید توجه داشت که این افراد اغلب در شهرهای

زنده باد آزادی، برابری و رفاه!

وضع اسفبار زنان کارگر ایرانی از صفحه قبل

پیرامونی و حاشیه ای قزوین ساکنند، که فاصله هرکدام تا محل کار مسافتی است در خور توجه. مسافتی که قطعاً بخش زیادی از درآمد این افراد بعنوان کرایه ماشین به خود مصروف می دارد. حال با توجه به این سرمای بی سابقه زمستان جاری، حتی تصور آمد و شد از شهرهای حاشیه ای تا محل کار برای یک زن خود درد آور است.

2- با وجود سر و صدای شدید و آلودگی عمیق هوای سالن کار، پیمانکار از دراختیار گذاشتن لباس کار، دستکش، ماسک و گوشی به زنان امتناع می ورزد! این در حالی است که بنا به گفته منبع خبری من اداره کار تذکراتی به کارفرما مبنی بر تهیه لوازم بهداشتی و ایمنی برای این زنان داده است. اما کارفرما عملاً کمترین توجهی به این تذکرات نکرده است.

3- این زنان حق استفاده از غذای کارخانه را ندارند و مجبورند برای ناهار خود از منزل غذا به همراه بیاورند. نکته عجیب اینکه بحث فقط بر سر غذا تمام نمی شود، چرا که این زنان حتی در سالن غذاخوری و برای صرف ناهار خودشان هم جایی ندارند و می بایست در همان سالن آلوده به گرم کردن و صرف غذا بپردازند.

4- مسئول یا مسئولین نمازخانه کارخانه در هنگام نماز به این زنان اجازه استفاده از فضای نمازخانه را به بهانه الوده بودن لباس این افراد نمی دهند. این زنان باز به ناچار بایستی نماز خود را هم بر روی قطعاتی از کارت های سرامیک و در همان سالن به جا بیاورند.

سن این افراد اغلب بین هجده تا بیست و دو سال است. در بین آنها علاوه بر افراد مجرد نان آور خانواده، برخی نیز هستند که متاهل بوده و بدلیل کمی درآمد همسران خود به کار مجبورند. برخی نیز خود سرپرست خانواده هستند. باید به این مسئله مهم دقت داشت که این زنان اغلب به برشهای حاشیه ای شهر تعلق دارند که از ضریب فرهنگی نازلی هم رنج می برند. بنابراین بدیهی است اگر این زنان پس از مراجعت به منزل تازه وارد مرحله ای جدید از ساعت کاری خود میشوند. امور خانه داری سنتی که نیازی به شرح آن نیست. از طرفی با توجه به فقر فرهنگی محیطهای کارگری در ایران عجیب نخواهد بود اگر رنج نگاههای آلوده مردان را نیز به مجموعه مشقات این زنان بیفزائیم. دردی که اگر کمتر از سایر مشکلات نباشد قطعاً به همان میزان آزار دهنده است. عملاً این موضوع پا به پای آسیب فیزیکی آسیبهای روحی زنان کارگر را هم تکمیل می کند. این در حالی است که با نگاه به چهره جوان ترین زنان این کارخانه تنها چیزی که یافت نمی شود سیمای یک دوشیزه جوان و شور و نشاط است. چنانچه بارها شاهد آن بوده ام که همکاران مرد این زنان بدون در دست داشتن کمترین دلیل، نشانه یا مشاهده ای و تنها از رهگذر اذهان بیمار خود انواع انگ و اتهام را به زنان نسبت داده اند.

به گفته برخی از افراد آگاه در خصوص مسائل کار پیمانی، در ایران اغلب اوقات حقوق بدیهی کارگران این چنینی از سوی مقامات ناظر نادیده گرفته میشود و همدستی آنها با پیمانکاران بدیهی است. وگرنه چطور می شود تصور کرد که

در کارخانه های بزرگ، مهم و معروفی چون سرامیک البرز بسهولت چنین تضییع حقوقی نادیده گرفته شود. متأسفانه در این گونه موارد وقتی صحبت از ضایع شدن حقوق می شود باید بخشی از حقوق را به تصور آوریم که نقض آنها به ذهن خطور نمی کند.

من اصطلاحی به جز استثمار برای این فرایند سراغ ندارم. هرچند با نگاشتن این قبیل اخبار و تحلیل ها نمی توان امیدی به بهبود وضع کارگران و بویژه زنان کارگز داشت. چرا که مقامات جمهوری اسلامی حتی روزنامه ها را از انتشار و انعکاس اخبار محیطهای کارگری ممنوع کرده اند. گویی انتشار اخبار زنان کارگری از این دست، پیروی از مفاد کمونیسم است. گویی اهتمام در جهت حقوق اولیه انسانها عملی خلاف قانون انسانی است. چگونه ممکن است حکومت با ممنوع کردن درج خبر استثمار چند زن بینوا میتواند خود را اتهام مسامحه با سرمایه داری عقب افتاده تبرئه سازد؟ آنها دل خوش دارند که کارگرانی که بدین وضوح از حق خود محرومند توان اعتراض خواهند داشت، چون که اعتراض مساویست با اخراج و محرومیت از حداقل درآمد برای تامین معاش برای زنده ماندن. گویی برای کارگران اعتراض معنای انتحار را می دهد. جای تعجب من از آن دسته شاغلین در کارخانجات است که حتی از دادن اخبار به دوستان خود نیز ابا دارند. شاید ابعاد نقض حقوق انسانها در ایران بقدری در ضمیر ما نهادینه شده است که ابراز چنین مشاهداتی را بی اهمیت و بی ارزش می دانیم.

عزیز محمدیان

پروین دهقانی دیپورت شد، دولت قبرس باید پاسخگو باشد!

شب هنگام پلیس قبرس به سلول زندان رفت و پروین را بدون اینکه مدارک قانونی را امضا کند کت بسته و با ایراد ضرب و شتم به فرودگاه لارناکا برده و وی را دیپورت کرد.

پروین مثل هزاران هزار زن از ایران گریخت. وی دوسال در قبرس منتظر جواب پناهندگی ماند. دولت قبرس با وجود اینکه وکیل پروین مدارکی برای اثبات حق پناهندگی اش تحویل داده بود به این ادعاها توجه نکرد و در تاریخ 17 ژانویه 2008 وحشیانه پروین را از طریق دبی به ایران دیپورت کرد.

پرواز لارناکا از طریق دبی در فرودگاه دبی توقیف طولانی داشت. دوستان پروین ما را در جریان این واقعه قرار دادند و ما با تماسهای زیادی سعی کردیم پلیس سیاسی دبی را از خطری که پروین را تهدید میکند آگاه کنیم. سازمان آزادی زن نامه ای فوری به مقامات UN ارسال نمود و از طریق واحدهای کشوری نیز با سازمانهای امنستی تماس حاصل شد. وقت بسیار کم بود و متأسفانه پروین دیپورت شد. پروین یک ساعت قبل از پرواز به تهران بعلت فشار عصبی شدید از هوش رفت و وی را به بیمارستان فرودگاه انتقال دادند و ماموران دوساعت پرواز را به همین دلیل به تاخیر انداختند. سپس با وجود حال نامساعدش، با تزریق آرامبخش وی را به صندلی بسته و راهی تهران کردند!

مسبب این پیشامد و نگرانی همه ما از حال پروین دولت قبرس است.

ستم بر زن موقوف!

Länge leve 8 mars

100 سال از اعلام 8 مارس بعنوان روز اعتراض علیه بی حقوقی زنان میگذرد!

در گرامیداشت 100 سال مبارزه برای حقوق برابر و انسانی و در همبستگی با جنبش زنان در ایران برای برابری و آزادی و بر علیه آپارتاید جنسی، سازمان آزادی زن واحد گوتنبرگ مراسم و جشنی را در روز جمعه 7 مارس 2008 برگزار میکند. از همه علاقمندان دعوت میکنیم که در این مراسم و جشن شرکت نمایند. جزئیات این برنامه بزودی اعلام خواهد شد.

زمان: جمعه 7 مارس 2008

مکان: سالن اجتماعات بالای کوپ کنسوم واقع در

**Samlinglokal ovanpå COOP
Konsum, Wieselsgrensplatsen 10,
Gothenburg**

ساعت شروع: 7 بعد از ظهر

برای اطلاعات بیشتر میتوانید با شهلا نوری با شماره تلفن

0046 737 26 26 22 تماس بگیرید.

سازمان آزادی زن

www.azadizan.com



دنیای دیگری ممکن است!

26 ژانویه روز اعتراض سراسری علیه وضع موجود است. صدها سازمان، فعالین و جنبش های اجتماعی در سراسر جهان با تم **دنیای دیگری ممکن است**، سمینار و ورک شاپ برگزار خواهند کرد. در گوتنبرگ سوئد نیز روز شنبه 26 ژانویه سمینار و ورک شاپ و جشن برگزار خواهد شد.

سازمان آزادی زن یکی از دهها سازمان شرکت کننده در این همایش بزرگ میباشد. این همایش سرآغاز یک سلسله فعالیت در طول سال 2008 خواهد بود. در سمینار روز 26 ژانویه آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن با عنوان **جنبش زنان برای برابری** سخنرانی خواهد نمود. این سخنرانی به زنان انگلیسی ایراد میشود. همزمان میز کتاب سازمان آزادی زن در محل برگزاری دایر خواهد بود.

سازمان آزادی زن از همه علاقمندان دعوت مینماید که در این سمینار شرکت نمایند. برای اطلاعات بیشتر در مورد چگونه فعالیت های این روز میتوانید به سایت آزادی زن www.azadizan.com مراجعه نمایید.

محل برگزاری: موزه فرهنگ جهانی گوتنبرگ

Världskulturmuseet, Korsvägen, Gothenburg

زمان: شنبه 26 ژانویه 2008

ساعت شروع: 12 ظهر تا 5 بعد از ظهر

برای اطلاعات بیشتر در این مورد میتوانید با شهلا نوری با شماره تلفن

0046-737 26 26 22 تماس حاصل نمائید.

سازمان آزادی زن

www.azadizan.com

سازمان آزادی زن 19 ژانویه 2008



برسمیت شناخته شدن حق پناهندگی برای همه پناجویان که از ستم اسلام در ایران گریخته اند از دولت قبرس میخواهد اوضای پروین را بعد از برگرداندن به ایران رسماً پیگیری نماید و در صورت هرگونه پیشامدی باید پاسخگو باشد.

این عمل، دولت قبرس را تحت فشار قرار دهند تا دست از این اعمال بردارد.

در حال حاضر تعدادی از ایرانیان به جرم تقاضای پناهندگی در خطر دیپورت قرار دارند و در زندانهای قبرس بسر میبرند. سازمان آزادی زن ضمن درخواست

پروین دهقانی دیپورت شد از صفحه قبل

دولت قبرس باید پاسخگوی این عمل ضد انسانی خود باشد! سازمان آزادی زن ضمن محکوم کردن این عمل دولت قبرس از همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب میخواهد ضمن محکوم کردن

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی، azarmajedi@yahoo.com

سردبیر پروین کابلی، parvinkaboli@yahoo.se، Tel: +46 707 744 020

دستیار سردبیر اسماعیل اوجی، esmail_owji@yahoo.com

آزادی زن را به دوستان خود معرفی کنید!